

* قواعد درس سوم _ معرفه و نکره *

* به اسمهایی که برایمان آشنا هستند، معرفه و به اسمهایی که برایمان نا آشنا و نامعلوم هستند نکره میگوئیم.

* معرفه و نکره فقط و فقط مختص اسم هست و نباید در مورد فعلها و حروف بحث معرفه و نکره را مطرح کنیم !!

* بوسیله ی این شعر، انواع معرفه ها را یاد بگیرید:

« معارف شش بُود؛ مُضَمَّر، اشاره *** علم، موصول، ذواللام و اضافه »

معارف: یعنی معرفه ها / مضمر؛ یعنی ضمیر / ذواللام؛ یعنی اسمی که اولش « ال » زائد داشته باشد.

👉 در ادامه انواع معارف را به ترتیب شعر توضیح می دهیم:

۱_ ضمائر: تمامی ضمائر از هر نوعی که باشند، معرفه هستند

الف) ضمائر منفصل مرفوعی، مثل: هو، هُم، انت، انا

ب) ضمائر منفصل منصوبی، مثل: ایاة، ایاها، ایاک، ایاکم، ایتانا

ج) ضمائر متصل مرفوعی، مثل: الف (دَهَبَا الف آخر فعل ضمیر متصل مرفوعی و نقش فاعل دارد) / و خَرَجُوا /

تُنَّ شَرِیْتُنَّ

د) ضمائر متصل منصوبی یا مجروری، مثل: هُ، ها، ک، کُم، کُنَّ

۲_ اسمهای اشاره؛ تمامی اسمهای اشاره معرفه هستند :

مثال؛ هذا، هذه، هذان، هؤلاء ، اولئک، و ..

۳_ اسمهای علم (خاص) ؛ یعنی اسامی اشخاص، شهرها، کشورها، مکانهای معروف.

مثال؛ فاطمة، مریم، علی ، محمد، طهران، اصفهان، « تخت جمشید»، و ...

۴_ موصول؛ تمامی اسمهای موصول، معرفه هستند: ﴿ الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ، اللَّاتِي، مَنْ (موصولی) ، ما (موصولی)

*دقت کنید که چند مدل « مَنْ » و « ما » در زبان عربی داریم ولی فقط « من » و « ما » موصولی معرفه هستند.

۵_ ذواللام (دارای « ال » زائد)؛ هر اسمی که به اولش « ال » زائد اضافه شده باشد، معرفه است.

مثال ؛ الكتاب، التَّسْبُورَةُ، التَّلْمِيزُ، المحافظة، المدرسة

❗ دقت کنید که حتما « ال » زائد باشد: یعنی اگر « ال » را حذف کنیم کلمه مورد نظر از لحاظ معنایی ناقص نشود.

﴿ پس کلماتی مانند؛ ألقاب، إلحاق، ألقاب، إلزام ﴾ در این کلمات « ال » جزء خود اسم هست و زاید نیست. بنابراین نمیتوانیم بگوئیم که این کلمات معرفه به « ال » هستند. !!

۶_ معرفه به اضافه؛ منظور اینست که اگر یک اسم نکره به یک اسم معرفه اضافه شود و باهم یک ترکیب اضافی تشکیل دهند ، آن اسم نکره هم معرفه میشود :

مثال ۱؛ سيارتگ ﴿ اینجا چون « كَ » ضمير و معرفه هست، بنابراین کلمه ی « سيارَة » هم معرفه می شود؛ چون به ضمير متصل شده و باهم یک ترکیب اضافی تشکیل داده اند.

مثال ۲؛ مَدِينَةُ طَهْران ﴿ اینجا هم چون کلمه « طَهْران » معرفه هست پس کلمه ی « مَدِينَةُ » که نکره بوده، چون به یک اسم معرفه اضافه شده تبدیل به معرفه می شود.

!! نکته ی مهممهمم؛

﴿ کلماتی که جزء این شش گروه نباشند حتما نکره هستند.

*** نکات کلی ***

۱- معرفه یا نکره بیانگر تحلیل صرفی (ذات و ساختار) یک اسم می باشد و معرفه یا نکره بودن نقش حساب نمی شود.

۲- اگر یک اسم علم همراه با « ال » زائد بیاید، آن اسم باز هم معرفه به علم خواهد بود:

مثال: المَحْمَدُ / العِرَاقُ / أَلْيَابَانُ (ژاپن) / این اسمها همگی معرفه به علم هستند.

۳- اگر یک اسم علم همراه با « ی » نسبت بیاید، دیگر معرفه به علم نخواهد بود.

إِصْفَهَانُ : معرفه به علم // إِصْفَهَانِي : نکره // الإِصْفَهَانِي : معرفه به ال

۴- موصوف و صفت باید یا هر دو معرفه و یا هر دو نکره باشند. البته در صورت معرفه بودن موصوف و صفت، نیازی نیست هر دو از یک نوع معرفه باشند.

۵- اگر مبتدا نکره و خبر از نوع شبه جمله باشد، در اینصورت جای مبتدا و خبر عوض می شود و به مبتدا، مبتدای مؤخر و به خبر، خبر مقدم می گوئیم.

مثال ۱_ فِي الصَّيْفِ تَلْمِيذٌ ﴿﴾ فِي الصَّيْفِ : خبر مقدم (از نوع شبه جمله) // تَلْمِيذٌ : مبتدای مؤخر (نکره)

مثال ۲_ فَوْقَ الشَّجَرَةِ عُصْفُورٌ ﴿﴾ فَوْقَ : خبر مقدم (از نوع شبه جمله) // عُصْفُورٌ : مبتدای مؤخر (نکره)

* نکات ترجمه ای *

* اسم نکره را به سه مدل میتوانیم ترجمه کنیم:

مثال: اِشْتَرَيْتُ بِيْرَ الْاَلَمَنِ السُّوقِ ﴿﴾ اینجا کلمه ی « سروال؛ شلوار » نکره هست و به سه مدل قابل ترجمه می باشد:

_ شلواری از بازار خریدم. (اسم مورد نظر + ی)

_ یک شلوار از بازار خریدم. (یک + اسم مورد نظر)

_ یک شلواری از بازار خریدم. (یک + اسم مورد نظر + ی)

* اگر اسم نکره ای در یک عبارت بیاید و سپس همان اسم به حالت معرفه (همراه با ال) تکرار شود، باید

« ال » را بصورت « این » یا « آن » ترجمه کنیم:

مثال: رَأَيْتُ رَجُلًا. كَانِ الرَّجُلُ يَضْحَكُ : کلمه ی « رجل » در جمله ی اول بصورت نکره و در جمله ی دوم بصورت معرفه آمده. پس باید به این شکل آنرا ترجمه کنیم: ﴿﴾ مردی را دیدم. آن مرد می خندید.

* اگر یک اسم نکره به تنهایی خبر واقع شود، معمولاً بصورت معرفه ترجمه می شود، اما اگر همراه با صفت باشد، باید بصورت نکره ترجمه شود:

مثال ۱_ اللهُ نُوْرٌ : خداوند نور است. (خبر نکره است ولی بصورت معرفه ترجمه شده)

مثال ۲_ سَيَّارَتِي جَمِيْلَةٌ : اتومبیلم قشنگ است. (خبر نکره است ولی بصورت معرفه ترجمه شده)

مثال ۳_ الْعَالَمُ كَنْزٌ ثَمِيْنٌ : علم، گنجی ارزشمند است. (خبر نکره است و به همان صورت نکره ترجمه شده چون همراه با صفت است.)

* اگر یک اسم معرفه قبل از یکی از اسمهای موصول بیاید، باید آن اسم معرفه را بصورت نکره ترجمه کنیم:

مثال: ذَاكَ هُوَ اللهُ الَّذِي ﴿﴾ آن همان خدایی است که

﴿﴾ در این مثال، الله یک اسم معرفه است که بعد از آن اسم موصول « الَّذِي » آمده؛ بنابراین باید کلمه الله را بصورت نکره (خدایی) ترجمه کنیم.